



www.hambastegi.org

۲۳۱

۳ فروردین ۱۳۸۵

۲۴ مارس ۲۰۰۶

# همبستگی هفتگی

## نشریه هفتگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

پناهندگی حق هر کسی است که از اسلام سیاسی و استبداد و بی حقوقی میگریزد



### اعتراض ما باید هر چه رساتر در پارلمان بریتانیا طنین افکن شود

سیامک امجدی

**سخنی با پناهجویان ایرانی در بریتانیا در حاشیه تحصن سه روزه فدراسیون در مقابل پارلمان در لندن**

همانطور که مطلع شده اید، تحصن فدراسیون

در هفته آخر مارس یعنی روزهای دوشنبه، سه شنبه و چهارشنبه ۲۷، ۲۸ و ۲۹ مارس در مقابل پارلمان انگلیس در لندن برگزار میشود. اما مسئله مهمی که می‌خواهم به آن اشاره کنم، شرکت وسیع و فعال شما پناهجویان در

ادامه در صفحه ۲

### صف متحد کارگران و پناهندگان در دفاع از حق پناهندگی در آلمان

**صدها نفر به دعوت یک ائتلاف بزرگ دفاع از حقوق پناهندگی برای آزادی و اقامت بهزاد صمدی در مرکز شهر گیسن تظاهرات کردند.**

شهر گیسن روز جمعه ۱۷ ماه مارس شاهد یک حرکت پرشور دفاع از حقوق انسانی بود. صدها نفر در صفوف منظم با پرچمهای دفاع از حقوق انسانی، در مرکز شهر گیسن راهپیمایی کرده و با مردم حاضر در محل صحبت میکردند.

این یک حرکت باشکوه در دفاع از حقوق انسانی در آلمان بود.

۲۱ سازمان مدافع حقوق پناهندگی، چندین حزب سیاسی و از جمله حزب کمونیست کارگری ایران و اتحادیه کارگری آلمان "د گ ب و"، "ا گ متال" فراخوان به این تظاهرات داده بودند.

بهزاد صمدی جوان ۳۴ ساله ایرانی، عضو حزب کمونیست کارگری ایران است که در جریان درخواست برای تمدید اقامت خود در آلمان، دستگیر و روانه زندان دیپورت میشود. بهزاد از همان لحظات اولیه دستگیری با مسئولین حزب

ادامه در صفحه ۳

### یک موفقیت مهم در پی مقاومت و مبارزه ای ۹ ساله



**سوسن فتادی پس از ۹ سال مقاومت و ۵ سال زندگی در شرایط مخفی و غیرقانونی عاقبت حق خود را گرفت.**

وضعیت زنان و آپارتاید جنسی حاکم در ایران و اعمال مجازات سنگسار و ضرورت حمایت از حق پناهندگی زنان گریخته از جهنم جمهوری اسلامی مصاحبه طولانی انجام داده که از این شبکه تلویزیونی پخش گردید.

ادامه در صفحه ۳

کارگری ایران و فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پیوسته و فعالیت های خود را در دفاع از آزادی، برابری و سوسیالیسم و در دفاع از حقوق زنان و پناهندگان ادامه میدهد. در همین راستا به مناسبت ۸ مارس در سال ۲۰۰۱ مصاحبه مفصلی با شبکه سراسری تلویزیون کانال ۲ انجام داده و در خصوص

سوسن فتادی یک زن فعال سیاسی در ایران بوده که به دلیل فعالیتهای سیاسی اش با کومله و لورفتن فعالیتهایش مجبور به ترک کشور شده بود. سوسن پس از ۳ سال و ۷ ماه اقامت در هلند از طرف وزارت دادگستری هلند جواب منفی دریافت کرده و در سال ۲۰۰۱ از کمپ اخراج شد. سوسن در هلند به حزب کمونیست

**سخنرانی پروین سلیمی در هشت مارس شهر بن با استقبال بسیار روبرو شد.**

صفحه ۷

**بار دیگر توجه افکار عمومی سوئد به معضل پناهندگی در این کشور معطوف شد!**

صفحه ۴

**برای حق اقامت هزاران نفر در آلمان، به خیابان بیایید!**

صفحه ۴

**سیاست سختگیرانه مهاجرت**

**در فرانسه**

صفحه ۵



با سرکوب خونین انقلاب و تحمیل یک زندگی فوق ارتجاعی به مردم، دهها هزار انسان گریخته از دست جمهوری اسلامی تنها و بدون تشکل راهی بسوی امنیت و آرامش در ورای مرزهای ایران می جستند. متشکل کردن این موج عظیم انسانی حول مدرن ترین و انسانی ترین دست آوردهای بشری، دفاع بی قید و شرط از حق پناهندگی مردم ایران و قرار دادن این مردم در کنار مبارزات انسان دوستانه و کارگری در غرب علیه راسیسم، فاشیسم، نابرابری اجتماعی، ایجاد سازمانی غیرحزبی و فرامحلی بدون نظر گرفتن ملیت، مذهب، جنسیت و تعلق تشکیلاتی را به یک ضرورت فوری تبدیل می کرد. همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پاسخ منصور حکمت به این ضرورت بود. بقول او: "همه داستان زندگی ما تغییر زندگی انسان است."

## اعتراض ما باید هر چه رساتر در پارلمان بریتانیا طنین افکن شود. ادامه از صفحه اول

یا تماس بگیرید و با آنها در رابطه با کمپین و تحصن حرف بزنید و آنها را تشویق به شرکت فعال در تحصن کنید.

این کمپین و این تحصن فقط حرکت اعتراضی کسانی که پرونده آنها بسته شده یا در بلاتکلیفی هستند یا مدتهاست "غیر قانونی" زندگی میکنند نیست! این تحصن، اعتراض همه آنهاست که از بلاتکلیفی، نا امنی، تحقیر روزمره و جواب منفی شنیدن خسته شده اند. این تحصن، اعتراض همه پناهجویان ایرانی و همه انسانهای شریف و آزادیخواه به قوانین زمخت و غیر انسانی پناهندگی دولت بریتانیا است. این تحصن، تحصن همه آنهاست که داشتن یک

واقعیاتی که در ایران می گذشت، می بستند، امروز خود در صف مقدم "مدافعین" حقوق مردم ایران قرار گرفته اند و هر روز در محکومیت جمهوری اسلامی در نشستهایشان کاغذ سیاه می کنند.

### دوستان عزیزم،

امروز بیشتر از هر زمان دیگر شرایط برای گرفتن حق پناهندگی مان مهیا تر است. امروز بیشتر از هر زمان دیگر گوش ها برای شنیدن حرف هایمان باز شده است. امروز بیشتر از هر زمان دیگر شیب زمین مبارزه به نفع ما است. باید این شرایط مهم را دریافته و سریع عمل کرد. فردا که دولت بریتانیا سر اختلافات سیاسی اش با جمهوری اسلامی به توافق برسد و روابط دیپلماتیک آنها حسنه شود و ما دوباره شاهد پهن شدن

فرشهای قرمز این دول جلو همدیگر در پایتخت هایشان باشیم، قطعاً کار ما برای گرفتن حق مان به مراتب سخت تر خواهد بود. از این فرصت تاریخی باید استفاده کنیم و حق داشتن یک زندگی انسانی و به دور از ترس را از آن خود کنیم.

در اینجا لازم است به نکته ای اشاره کنم و آن اینست که این کمپین و این تحصن درست است هدفش زیر ضرب بردن سیاستهای ضد پناهنده پذیری دولت بریتانیا، مشخصاً در رابطه با پناهندگان ایرانی است. اما ما مشخصاً در نامه نگاری و مذاکرات احتمالی با هوم آفیس و پارلمان و دیگر مراجع دولتی، از پرونده پناهجویانی دفاع میکنیم که در تحصن حضور فعال دارند. تغییر فوری وضعیت پناهندگی افرادی که در تحصن حضور دارند، اولویت ما

خواهد بود. اگر در فرصتی که باقی است خوب کار کنیم، خوب تبلیغ کنیم، خوب بسیج کنیم و این حرکت انعکاس وسیعی پیدا کند، قطعاً نتایج مثبت بسیار زیادی را با به همراه خواهد آورد و دست ما برای دفاع از حق پناهندگی فراریان از جمهوری اسلامی به مراتب بیشتر باز می شود.

به امید داشتن یک حرکت موفق و پیروزمندانه و به امید دیدار همگی شما گرامیان در ساعت ۸ روز دوشنبه ۲۷ مارس در مقابل پارلمان در لندن دست همگی شما را می فشارم

سیامک امجدی  
ifiruk@yahoo.com

## سه روز تحصن در لندن در اعتراض به قوانین ضد پناهندگی دولت انگلیس ۲۷ - ۲۹ مارس در مقابل پارلمان

به قوانین ضد پناهندگی دولت انگلیس است. این تحصن، تحصن همه آنهاست که داشتن یک زندگی بهتر، انسانی تر و به دور از ترس را حق خود و همه می دانند.

خبر این حرکت تاریخی را به هر کس که می شناسید برسانید و آنها را به شرکت در تحصن تشویق کنید.

دیدار ما روز دوشنبه ساعت ۸ صبح در مقابل پارلمان در لندن

تالارها و سالنهای پارلمان و در اطاق کابینه دولت انگلیس طنین انداز کنیم.

این تحصن، اعتراض همه شما قربانیان حاکمیت سیاه رژیم جمهوری اسلامی است. این تحصن، اعتراض همه آنهاست که از بلاتکلیفی، نا امنی، تحقیر روزمره و جواب منفی شنیدن خسته شده اند. این تحصن، اعتراض پناهجویانی که فقط حکم دیپورت گرفته اند یا جواب ردی گرفته اند و یا در بلاتکلیفی زندگی می کنند نیست! این تحصن، اعتراض همه پناهجویان ایرانی

همانطور که مطلع شده اید، همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در انگلیس در ادامه کمپین خود در این کشور و بمنظور فشار آوردن بیشتر به دولت انگلیس برای تغییر سیاست ضد پناهندگی اش نسبت به پناهجویان ایرانی، یک تحصن ۳ روزه را در هفته آخر مارس (دوشنبه ۲۷ تا چهارشنبه ۲۹ مارس) در لندن و در مقابل پارلمان سازمان داده است.

با حضور وسیع و فعال خود در این تحصن، صدای اعتراض حق طلبانه خود را هر چه قدرتمند تر و رساتر در

اگر شما پناهجویی هستید که جواب ردی دریافت کرده اید،

اگر شما پناهجویی هستید که حکم ترک خاک گرفته اید و نمی خواهید به جهنمی که از آن فرار کرده اید برگردید،

اگر شما پناهجویی هستید که نمی خواهید سیر حوادث سرنوشت شما را تعیین کند،

اگر شما پناهجویی هستید که از انتظار، صبر به تنگ آمده اید،

اگر شما به سیاستهای پناهندگی و غیر انسانی دولت انگلیس معترض هستید،

و اگر شما داشتن یک زندگی امن و انسانی را حق خود و همه انسانها میدانید،

به همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پیوندید

## صف متحد کارگران و پناهندگان در دفاع از حق پناهندگی در آلمان ادامه از صفحه اول

حزب کمونیست کارگری ایران و فدراسیون تماس گرفته و در مورد خطر دیپورت خودش به ایران هشدار داد. فعالیتهای سازمانها و نهادهای متعدد برای نجات او از همان لحظه اول دستگیری او آغاز شد.

پلیس و ادارات خارجی در آلمان، در نهایت بیرحمی بهزاد را به فرودگاه فرانکفورت برده و در عرض چند ساعت قصد دیپورت او را داشتند. بهزاد در شرایطی کاملاً غیر انسانی، مجبور میشد برای نجات خود از دیپورت به ایران، خود را آتش بزند. بدن سوخته بهزاد به بیمارستان و سپس مجدداً به زندان برده شده و در طول این انتقال پلیس بهزاد را کتک زده و اکنون بجرم مقاومت در مقابل دیپورت، او رابه شش هفته زندان محکوم کرده اند.

این رفتار بیش‌رمانه با بهزاد با موجی از اعتراض مواجه شده و تا کنون چندین روزنامه مهم و سراسری آلمانی این واقعه را منعکس کرده و از عضویت بهزاد در حزب کمونیست کارگری و فدراسیون حرف زده و خطرات احتمالی این دیپورت را گزارش داده اند.

برای مقابله با دیپورت و اعلام انزجار از رفتار دولت آلمان در مقابل پناهجویان روز جمعه فراخوان به يك میتینگ اعتراضی با امضا بیست و يك نهاد در سطح شهر گیسسن و آلمان توزیع شده و همگان را به این میتینگ دعوت کرده بودند.

این میتینگ راس ساعت دو بعد از ظهر آغاز شد.

مجری برنامه که یکی از فعالین سرشناس مدافع حقوق پناهندگی در منطقه گیسسن است، در پشت بلندگو، اعلام کرد که میتینگ اعتراضی امروز ما با سخنرانی مینا احدی مسئول کمیته علیه سنگسار و مسئول فدراسیون سراسری پناهندگان

ایرانی آغاز میشود.

مینا احدی در این سخنرانی اعلام کرد که در ایران يك حکومت ضد انسانی و ضد زن، يك حکومت تروریست اسلامی وجود دارد که حقوق انسانها را زیر پا له میکند، این حکومت سالهای سال مورد حمایت، دولت آلمان بود، و نقض وحشیانه حقوق انسانی در این کشور با سکوت و بی تفاوتی دولت آلمان مواجه شده، از سوی دیگر این دولت فراریان از دست جانیان حاکم بر ایران را نیز با بیرحمی تمام به آن کشور باز پس می فرستند. رفتار دولت آلمان با بهزاد يك نمونه بارز رفتار دولت آلمان است و باید با شدیدترین اعتراضات مواجه شود. مینا احدی با محکوم کردن این سیاستهای ضد انسانی اعلام کرد که اگر امروز در مقابل این رفتار نایستیم، دولت آلمان تعداد بیشتری را دیپورت خواهد کرد. وی در عین حال در مورد زنان فراری از ایران حرف زد و گفت زنان پناهنده از ایران و کشورهای اسلام زده باید بعنوان پناهنده سیاسی به رسمیت شناخته شوند. پس از این سخنرانی تظاهرکنندگان شروع به حرکت کرده و بیش از دو ساعت در مرکز شهر راهپیمایی کردند.

تظاهرکنندگان شعار میدادند که دیپورت به معنی شکنجه و اعلام است و در حقیقت صدور حکم اعدام بر علیه پناهجویان است و دیپورت و باز پس فرستادن پناهجویان بشدت مرده و محکوم است و یا فریاد میزدند دولت آلمان دیپورت میکند و دولت ایران اعدام، شعارهایی در دفاع از همبستگی بین المللی علیه سیاستهای ضد پناهندگی دولتها و برچیده شدن مرزها نیز در طول مسیر داده میشود. در مسیر راهپیمایی نیز بارها مینا احدی برای مردم در محل سخنرانی کرده و از خواستهای تظاهرکنندگان و علت این اعتراض، موقعیت مردم در ایران، اعدامهای بیسما و قوانین ضد انسانی در ایران

صحبت کرده و سیاستهای ضد انسانی و ضد پناهندگی دولت آلمان را محکوم کرد.

بعد از راهپیمایی طولانی تظاهرکنندگان در يك میدان مرکزی تجمع کردند. يك گروه موزیک با اجرای برنامه های متعدد، به جمع تظاهرکنندگان نیرو و توان تحمل سرمای شدید را میداد و مجری برنامه یکی پس از دیگری سخنران را به جلو میتینگ فرا میخواند.

اولین سخنران نماینده اتحادیه کارگری آلمان بود. او اعلام کرد که کارگران آلمان، سیاستهای ضد

پناهندگی دولت آلمان را محکوم میکنند و ائتلاف جدید حکومت را مسئول این رفتارها دانسته و خواهان تجدید نظر در این نوع رفتار هستند. سپس نماینده يك گروه مستقل مدافع حقوق انسانی ایرانی صحبت کرد که سیاستهای دولت آلمان را محکوم کرد و اعلام کرد که در ایران يك حکومت ضد انسانی بر سر کار است و باید از مبارزات مردم در ایران دفاع کرد. سپس نماینده خارجیان در پارلمان ایالتی صحبت کرد و بشدت رفتار دولت با بهزاد و سایر پناهجویان را محکوم کرد.

پس از او نماینده شورای پناهندگان در کاسل سخنرانی کرد و خواهان دامن زدن بیشتر به حرکات اعتراضی این چنینی بر علیه سیاستهای دولت آلمان شد.

سخنران بعدی داود صمدی عضو

حزب کمونیست کارگری و برادر بهزاد بود. او در سخنرانی خود اعلام کرد که وی و برادرش عضو حزب کمونیست کارگری ایران هستند، و بدلیل فعالیتهای گسترده با این حزب، در صورت دیپورت به ایران خطر جانی آنها را تهدید میکند. او از پشتیبانی گرم سازمانها و مردم از برادرش تشکر کرد. و در پایان وریا احمدی دبیر فدراسیون در آلمان سخنرانی کرد. او از برچیده شدن مرزها و کوچک تر شدن دنیا حرف زد و اینکه حرکت جوامع انسانی بسوی نقد ناسیونالیسم و عقب راندن آن است و فدراسیون با سیاستهای



انسانی خود در جهت دفاع از حقوق انسانی و نقد ناسیونالیسم و راسیسم حرکت میکند. سخنرانی او بارها با تشویق جمعیت روبرو شد.

در پایان اعلام شد که حرکات اعتراضی در گیسسن و کاسل محل زندان بهزاد صمدی ادامه خواهد یافت و اولین حرکت روز جمعه هفته آینده ۲۴ ماه مارس در شهر گیسسن است که قرار است در آن، وزیر داخله آلمان، در يك جلسه حاضر شود و در مقابل محل سخنرانی او میتینگ اعتراضی برپا خواهد شد و دو هفته بعد در شهر کاسل، دور زندانی که بهزاد در آنجا نگهداری میشود، حلقه انسانی تشکیل داده و از مطبوعات دعوت خواهیم کرد که در آنجا حضور یافته و خبر این حرکت را منعکس کنند.

در تظاهرات شهر گیسسن چندین شبکه خبری حضور داشته و با حاضرین و بویژه با برادر بهزاد صمدی، داود صمدی گفتگو میکردند.

حزب کمونیست کارگری ایران، سازمان ضد فاشیستی آنتی فا، سازمان عفو بین الملل، آستای دانشگاه یوستوس لیپیگ شهر گیسسن، آتاک گیسسن، مرکز مشاوره پناهندگی گیسسن، تشکل برن پونکت دانشگاه، چپهای دمکرات، اتحادیه کارگری آلمان، "دگ ب" حزب سبز آلمان، حزب چپ آلمان گیسسن، حزب کمونیست آلمان، سازمان فائولان، شورای پناهندگان منطقه هسن مرکزی، سازمان جوانان حزب سبز، شورای پناهندگان هسن، مرکز اطلاعاتی شهر گیسسن، کافه اینتر کولتور، همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، مرکز هوخ شوله در گیسسن، تشکل سبزه در دانشگاه و مرکز دفاع از خارجیها در گیسسن، از این حرکت دفاع کرده و همراه با هم آنرا سازمان داده بودند.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، این حرکت اعتراضی را بسیار مهم ارزیابی کرده و در راستای سیاستهایی میداند که در آخرین کنفرانس سراسری فدراسیون اعلام و تثبیت شد. ما باید به همراه مردم در کشورهای پناهنده پذیر به همراه کارگران و سازمانهای متعدد مدافع حقوق انسانی ائتلافهای گسترده سازمان داده و در دفاع از حقوق انسانی پناهندگان حرکت کنیم.

تلاش برای نجات بهزاد صمدی ادامه دارد و دستاوردهای این مبارزه ما را کمک خواهد کرد که از حقوق انسانی همه پناهجویان با قدرت تمام دفاع کنیم. به این حرکت بزرگ اعتراضی پیوندید.

**همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد آلمان**

۱۸ ماه مارس ۲۰۰۶

# برای حق اقامت هزاران نفر در آلمان، به خیابان بیایید!

## دعوت به تظاهرات در مقابل ساختمان وزارت داخله استان هسن

در استان هسن ۱۵۰۰۰ نفر پناهنده در حالت بلاتکلیفی بسر میبرند، و دارای پاس "تحمل" هستند. شرایطی که سالهای سال بعضا ادامه داشته و هر لحظه خطر دیپورت این افراد را تهدید میکند.

در آلمان ۲۰۰۰۰۰ نفر در این شرایط بسر میبرند و از چندین ماه قبل اعتراض و مبارزه برای گرفتن حق اقامت برای این افراد و خانواده‌ها در جریان است.

در آلمان، فشار بر این پناهنده‌ها افزوده شده و روزانه تعدادی از اینها دیپورت میشوند. پناهجویان فراری از جهنم جمهوری اسلامی نیز از این وقایع در امان نمانده و دولت آلمان سعی در دیپورت ایرانیان پناهجو به ایران را دارد.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی بهمراه شورای پناهندگان در آلمان، یک سازمان مدافع حقوق پناهندگی که در سراسر آلمان فعال است، روز ۲۲

آوریل یک میتینگ بزرگ اعتراضی را در مقابل ساختمان وزارت داخله استان هسن در شهر ویسبادن سازمان میدهد.

این میتینگ در ادامه تظاهرات گسترده در شهر کارلسروهه آلمان و همچنین میتینگ موفق ما در شهر گیسن آلمان است که با حضور تعداد زیادی از سازمانها و نهادهای و از جمله اتحادیه‌های کارگری برگزار شد.

از همه پناهجویان و از همه مردم

مدافع حقوق انسانی دعوت میکنیم در این میتینگ حضور بهم رسانند.

دست روی دست گذاشتن و به راه حلهای فردی پناه بردن چاره این مشکل نیست. تنها با اتحاد و مبارزه متحدانه است که میتوان به حق اقامت دست یافت. تجربه فدراسیون در سوئد نشان میدهد که تنها چاره کار ما تشکیل ائتلاف با سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی و به خیابان آمدن در ابعاد هزاران نفره است. در میتینگ اعتراضی روز ۲۲

آوریل در شهر ویسبادن شرکت کنید! شروع میتینگ ساعت ۱۲ ظهر در مقابل ساختمان وزارت داخله نزدیک "هاپت بانهوف" روزشنبه ۲۲ آوریل - ویسبادن

**همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد آلمان**

۲۱ مارس ۲۰۰۶

## یک موفقیت مهم در پی مقاومت و مبارزه ای ۹ ساله ادامه از صفحه اول

سوسن همچنین در سخت ترین و طاقت فرسا ترین شرایط زندگی با همبستگی فعالیت کرده و در بیشتر آکسیون‌ها و تظاهرات‌ها و میتینگ‌های فدراسیون در هلند فعالانه شرکت میجوید. در حمایت از حق پناهندگی سوسن از سال ۲۰۰۱ توسط فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

مفصلی انجام داد.

۲۰۰۶) به سوسن ابلاغ شد.

آینده مهم در فدراسیون متشکل شده و اعتراض خود را به دفاع از حق پناهندگی در دل مبارزات فدراسیون با قدرت هر چه تامتری پیش برده و موفقیت را در آغوش کشند.

همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد هلند این موفقیت مهم را که پس از ۹ سال تلاش و فعالیت و مبارزه متشکل و پیگیر خود سوسن و حمایت‌های فدراسیون بدست آمده به سوسن و خانواده اش تبریک گفته و باز از کلیه پناهجویان ایرانی میخواهیم برای خلاص شدن از بلاتکلیفی، آوارگی و

با تلاش‌ها و فعالیت‌های فدراسیون، حزب کمونیست کارگری واحد هلند و تلاش‌ها و مبارزات و مقاومت خود سوسن، عاقبت پس از ۹ سال، سوسن موفق شد اداره مهاجرت هلند را وادار نماید تا حق پناهندگی اش را برسمیت بشناسند. حق پناهندگی و جواب اقامت سوسن درست همزمان با سال نو خورشیدی (۲۱ مارس

## بار دیگر توجه افکار عمومی سوئد به معضل پناهندگی در این کشور معطوف شد!

از تاریخ ۱۳ تا ۱۷ مارس در شهر گوتنبرگ از طریق برپایی غرفه اطلاعاتی، توجه هزاران نفر از مردم سوئد را به شرایط سخت پناهندگی و سیاست پناهنده پذیری دولت این کشور جلب کردیم. در طول این هفته با خواست اعطای اقامت به پناهجویانی که بر اساس قانون موقت پناهندگی ۱۵ نوامبر در اداره مهاجرت ثبت نام کرده اند، در سرمای چند درجه زیر صفر غرفه اطلاعاتی دایر کرده و بار دیگر توجه‌ها را به زندگی سخت پناهجویان در سوئد جلب نمودیم.

فدراسیون و پناهجویانی که به آنجا میامدند جمع شده و در مورد چند و چون و میزان پیشرفت این قانون صحبت می کردند و تازه ترین اخبار در این مورد را به همدیگر منتقل مینمودند. در طول این هفته و پس از گذشت ۳ ماه از پایان این قانون و کند شدن روند بررسی پروندهها بویژه پرونده پناهجویان مجرد و خانوادهایی که دارای فرزند زیر سن ۳ سال هستند، بحث و تبادل نظر میشد و در مورد راه حلهای مختلف مبارزه چاره اندیشی میکردند.

غرفه اطلاعاتی فدراسیون در

لباسهای آرمدار، توجه‌های زیادی را به فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی بعنوان یک سازمان انساندوست و مدافع واقعی حقوق پناهندگی جلب میکرد.

لازم به ذکر است که در هفته گذشته و با نزدیک شدن به پایان عمر قانون موقت پناهندگی، این موضوع بار دیگر سر تیترو روزنامه‌های مهم سوئد را به خود اختصاص داد. همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی به عنوان یکی از نهادهای اصلی این مبارزه، خواستار اعطای اقامت به همه پناهجویانی است که مشمول

شلوغترین نقطه مرکزی شهر با نصب بانورل و پلاکاردهای متعدد و با این عناوین که پناهجویان مجرد و خانواددهای دارای فرزند خردسال یکبار دیگر با خطر پاسخ منفی روبرو شده اند و باید به آنها نیز اقامت داده شود و پاسخ منفی به این دسته از پناهجویان نقض آشکار حقوق بشر است و برای حمایت از این پناهجویان در تظاهرات ۲۸ مارس شرکت نمایید، سیاست سخت پناهنده پذیری دولت سوئد را به افکار عمومی معرفی میکند.

موزیک شاد و میز اطلاعیه‌ها و

بررسی مجدد قانون موقت پس از ۱۵ نوامبر میباشد. ما همه پناهجویان و مدافعین دفاع از حقوق پناهندگی را به شرکت گسترده در تظاهراتهای ۲۸ و ۲۹ مارس در شهرهای سوئد برای دفاع از این خواست و اجرای یک سیاست انسانی در برخورد به پناهندگان فرا میخوانیم.

**همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - سوئد**

۱۸ مارس ۲۰۰۶

# سیاست سختگیرانه مهاجرت در فرانسه بخت آزمایی برای اخذ ویزا

نوشته **Maurice T. MASCHINO**  
به نقل از **نوموند دیپلماتیک**

سفارت فرانسه بر بلندی های الجزیره، در محله ای مسکونی به نام "حیدرا" واقع شده و دیوار بلندی که با سیم های خاردار محافظت می شود باغ سفارت را در بر گرفته است. پای این دیوار، صف طولانی متقاضیان تمام نشدنی است.

از ساعت چهار صبح، صدها الجزایری از نقاط مختلف کشور به اینجا می آیند. گاهی تمام روز منتظر می مانند تا به داخل عمارتی که شبیه به قلعه است راه یابند. اغلب با پرونده ای در دست، خسته و داغان و تحقیر شده، پشت میله های آهنی و تحت نظر پلیس، ساکت، منتظر می ایستند.

مهندسی می گوید: "اینها مثل حیوان با ما رفتار می کنند، آیا این انسانی است که ما را اینطور ساعتها زیر آفتاب داغ یا زیر باران معطل نگه می دارند؟ این تحقیر آمیز نیست؟" دو خانم معلمی که صبح زود از "لاگوات" در سیصد کیلو متری جنوب الجزیره آمده اند، نگرانند که آیا موفق می شوند به داخل ساختمان راه یابند، یا اینکه باید یک هفته دیگر در همین روز و همین ساعت، طبق مقررات دوباره برگردند. پیرمردی که روی یک ورق روزنامه نشسته و زیر لب حمد و سوره می خواند، پنج سالی است که پسرش را ندیده، اما خدا را شکر می کند که آخرین تقاضایش "سومی" قبول شده است. با این همه، ممکن است در آخرین لحظه ویزایش رد شود. مثلاً کافی است مدارکی را که باید ارائه دهد کامل نباشد، یا مشکوک به نظر برسد. و این مشکلی است که برای پزشکی که همسایه او است پیش آمده. مدارک بانکی آقای دکتر که از طرف "سوسیته جنرال" صادر شده بود مهر پای کاغذ را کم داشت. دکتر گفته: "معمولاً ورقه حساب بانکی کافی است. نمی دانم به چه علت کارمند سفارت پرونده مرا در حالت

انتظار نگه داشت؟ من هم مجبور شدم رزرو بلیط ام را باطل کنم و دوباره بیایم و از نو در صف بایستم. پانزده روز را از دست دادم و وقتی به پاریس رسیدم کنگره ای که مرا دعوت کرده بود به پایان رسیده بود."

الجزایری ها شاک می اند که ویزا گرفتن یک جور جنگ و جدال دائم با موانع عدیده سر راه است. باید مدارک لازم را طوری تهیه کرد که وقتی کاغذ دوم می رسد تاریخ اولی باطل نشده باشد. بعد هم باید همه اوراق را فتو کپی کرد و پرسشنامه ها را که به زبان ثقیل اداری نوشته شده اند پر کرد و بعد یک چک به آن اضافه کرد (از اول ژانویه ۲۰۰۳ هزینه تنظیم پرونده باید هنگام تقاضا پرداخت شود و در صورت رد ویزا، پول پس داده نمی شود) و آخر سر برای فرستادن مدارک باید به اداره پست رفت و ساعتها در صف انتظار ایستاد. این اقدامات که چندان هم آسان نیستند به اندازه کافی فرسایشی هستند.

از همه دردناکتر این است که بعد از همه این اقدامات باید در انتظار ماند، یکماه، دو ماه، سه ماه؟ تازه معلوم نیست. و این مدت، زمانی است که کنسولگری نیاز دارد تا از پلیس یا از کنسولگری های دیگر (اسپانیا و آلمان) در مورد کنترل صحت مدارک تحقیق کند. و آخر سر منتظر تایید "مرکز" در نانت می ماند. بر خلاف ادعای کنسول، متقاضی گاهی حتی جوابی دریافت نمی کند. مثلاً: لیلیا که مدارکش را در ماه فوریه ۲۰۰۲ تحویل سفارتخانه داده، هنوز در ماه دسامبر نمی داند که چه جوابی دریافت خواهد کرد. چون تلفن که هیچگاه جواب نمی دهد، از طریق نامه هم که می پرسد، نامه بدون کوچکترین توضیحی برگشتی می خورد. گاهی پیش می آید که پرونده تقاضا در سال ۲۰۰۲، دویست و هفتاد و

هفت هزار موفق به دریافت ویزا می شوند. سفیر می گوید: "روزی هزار تقاضا را بررسی می کنیم." وضع نسبت به سال ۱۹۹۵ خیلی بهتر شده است (چون در آن سال تنها چهل و هفت هزار پاسخ مثبت داده شده که این پایین ترین رقم ویزای داده شده است). اما این تنها یک چهارم کل درخواست هاست.

ممکن نیست بفهمیم که چرا اینهمه جواب رد می دهند، چون برای رد تقاضا دلیل یا توضیحی نمی دهند، جز در مواردی که مربوط به کسانی است که فرزند یا پدر و مادرشان فرانسوی هستند. که در این صورت سفارت می تواند تشخیص دهد که آیا متقاضی پول کافی برای هزینه هایش دارد یا نه؟ ۹۱۴ یورو در ماه در صورت نداشتن مسکن و ۴۵۷ یورو در صورت داشتن محل زندگی. یا در مورد کسانی که خطر مهاجرت دارند. در این صورت، جواب به سرعت داده می شود. (هر یک از چهل کارمند، در روز بطور متوسط به ۲۵ پرونده رسیدگی می کنند.)

مادر حبیب، بیوه ای که شوهرش در فرانسه حقوق بازنشستگی می گرفته، مجبور است برای استفاده از حقوق همسرش اقداماتی اداری در فرانسه انجام دهد، ولی پنج سالی است که تقاضای ویزایش رد می شود.

"آیسمهان" در تلمس با خاله اش زندگی می کند. پدر بزرگ و مادر بزرگش از سال ۹۰ ساکن فرانسه اند، مادر و خواهر کوچکش اصل در سال ۹۲ به آنها پیوسته اند. اما چون "آیسمهان" به سن قانونی رسیده، نمی تواند به آنها ملحق شود و این خلاف قوانین حقوق بشر اروپا است. بر اساس ماده ۸ این قانون، هر فرد حق دارد که زندگی خانواده گی طبیعی داشته باشد.

عده زیادی از الجزایری ها از این حقوق محرومند، بچه های زیادی از پدر و مادرشان جدا شده اند، یا زن و شوهرهایی که از هم دور مانده اند. مثلاً: مورد غم انگیز عبدالنور. عبدالنور از سال ۹۸ در فرانسه پناهنده است و نامزدش "حنیفا" را در کیبیلی تنها گذاشت. وقتی حنیفا خواست پیش نامزدش برود، کنسولگری مخالفت کرد.

آنها هم تصمیم گرفتند که با وکالت ازدواج کنند. بعد از ازدواج، حنیفا دوباره تقاضای ویزا می کند، سفارت همچنان جواب منفی می دهد و دلیل می آورد که چون عبدالنور دیگر تحت قوانین فرانسه است، قانون حکم می کند که طرفین ازدواج باید مقابل مأمور ثبت احوال حاضر شوند. چه بهتر، حنیفا تقاضای یک ویزای کوتاه مدت برای ازدواج مجدد می کند، ولی با مخالفت کنسول روبرو می شود. عبدالنور هم تقاضای ملیت فرانسه می کند. ولی درخواستش به بهانه اینکه همسرش در الجزایر زندگی می کند، از طرف وزارت کار و همبستگی ملی رد می شود. برای آنها، او وابستگی فامیلی در فرانسه ندارد. بعضی او را متاهل می شناسند و برخی دیگر ازدواجش را رسمی نمی دانند. و به این ترتیب، این زوج مدت پنج است که از هم جدا مانده اند، و این به هیچوجه مسئله آقای کنسول نیست، چون می گوید: "چه چیزی ثابت می کند که این خانم متعلق به یک باند فحشا نباشد؟"

اگر عبدالنور، کسی را در وزارت امور خارجه می شناخت، احتمال اینکه حنیفا بتواند سریع به شوهرش ملحق شود، بسیار بیشتر می شد. چون برای بعضی ها پارتی بازی، تنها راه به دست آوردن تقاضای رد شده است. مثلاً: به لطف دخالت یک مشاور دولتی، لطیفا که از دهسال پیش در فرانسه زندگی می کند و تابعیت این کشور را هم دارد، می تواند تابستان هر سال فرزندانش را به فرانسه بیاورد. (هرچند، گاهی پیش می آید که کارمند بلند پایه وزارت امور خارجه، که به توصیه آن مشاور دولتی ماجرای لطیفا را دنبال می کند، ناچار شود دو سه تلگراف آمرانه بفرستد تا کنسول خواسته اش را عملی کند.) همچنین، این به برکت یک وزیر سابق است که مادر بزرگ سنگاله ای موفق به دیدار فرزندانش در فرانسه شد. بر عکس، صنعتگر خرده پای پیر الجزایری، به دلیل نداشتن روایتی این چنین، هیچگاه نمی تواند آخرین نوه اش را ببیند و او را بشناسد: در این مورد، مشاور دولت که رد کردن ویزا را تأیید می کند، با حالتی مشکوک می پرسد: "چرا این نوه و پدرش خودشان به الجزیره سفر نمی کنند؟"

**پناهندگی حق هر کسی است که از استبداد و اسلام سیاسی و بی حقوقی میگریزد**

متقاضیان من دقت زیادی به خرج می دهد: جوانهای زیر سی سال، بیکارها، مستعدان بزه کاری، زنان جوان مجرد که یا در پی ازدواج مصلحتی هستند یا اینکه آخرا لامر سر از فحشاء در می آورند. یا افراد مسنی که فقط خرج روی دست مراکز کمک های دولتی خواهند گذاشت و آخر سر دانشجویها که هیچ اعتمادی به بازگشتشان نیست. مثلا: من هیچگاه به کسانی که می خواهند در فرانسه رشته اقتصاد بخوانند ویزا نمی دهم، برای اینکه بهترین دانشگاههای اقتصاد در "گابن" یا در "داکار" وجود دارند، بروند و اسمشان را آنجا بنویسند. بقیه باید حتما امتحان دیکته بدهند. و دلایل تقاضایشان را کتبی و به فرانسه توضیح بدهند، همان چیزی که ما به آن نامه شرح انگیز می گوئیم، که البته می تواند نتیجه عکس بدهد.

آیا این معیارها واقع گرایانه هستند، یا بیشتر یک جور پیش داوری اند؟ مسئول چه تعداد اشتباه و بی عدالتی اند؟ قوانین به قدری سخت و خشک هستند که به جای ساده کردن کار، اغلب تولید اشکال می کنند. مسئولین کنسولگری اطمینان می دهند که با مسائل با جدیت تمام برخورد می کنند. هر قدر هم که این مسئولین وجدان حرفه ای داشته باشند، اغلب پیش می آید که در پرونده ها، بیشتر دنبال عیب و ایراد اند تا برخوردی تفاهم آمیز داشته باشند. و این در واقع منطق این سیستم است. جوابها بیشتر منفی هستند تا مثبت و مامورین میان مقررات اداری که همیشه در سخت ترین وجه آن در نظر گرفته می شوند و رفتار انسانی، که باید در موقعیت های فوق العاده به کار روند، مقررات را انتخاب می کنند.

کاردار به یک خانم متقاضی ویزا می گوید: " شما کار مرا سخت کرده اید." چون این خانم که فروشنده است، چند سال پیش موفق به اخذ ویزا شده و چهار بچه اش را نزد خواهرش به فرانسه برده است. از آن موقع تا به حال، چندین بار توانسته به بهانه دیدن بچه ها به آنجا برود، ولی هر بار به "مالی" باز می گردد.

کنسولگری که متوجه این ماجرا شده، حالا با این زن مشکل پیدا کرده است.

آدمهای معمولی برای مقامات سفارت مشکل زیادی به وجود نمی آورند. هر روز نزدیک ظهر، کارمندهای کنسولگری جلسه می گیرند و پرونده ها را بررسی می کنند. خانم کاردار می گوید: " روزی ۱۰۰ تقاضای ویزا دریافت می کنیم، ۵۰ تا بی بلافاصله رد می شوند و بعد از بررسی ۳۵ تای دیگر." سفیر می گوید: " اینک اوراق تقلبی است یا نه، مسئله مهمی نیست، تنها یک معیار مورد توجه است آنهم خطر مهاجرت است. یک پرونده خوب لزوما تضمین نمی کند که مسافر بر می گردد و یک پرونده مشکوک هم حتما به این معنی نیست که شخص دیگر باز نمی گردد. در مقابل هر شخصی که تقاضای ویزا می کند یک سؤال برای ما مطرح است: آیا بر می گردد؟ "

اما چگونه می شود چنین خطری را سنجید؟ وقتی مصاحبه با متقاضی، در پشت شیشه ضخیم گیشه انجام می شود و بیشتر از ۵ دقیقه هم طول نمی کشد. یا وقتی مامورینی که در محل استخدام شده اند (با ۱۲۲۰ یورو حقوق ماهیانه) و یاکارمندان وزارت خارجه (بین ۳۰۵۰ تا ۳۸۰۰ یورو) که هیچگونه آموزشی ندیده اند تا بتوانند رابطه اطمینان بخشی با متقاضی برقرار کنند، یا حتی بتوانند طوری با آنها صحبت کنند که مایه رنجش و تحقیر آنها نشود. مثل آن ماموری که هنگام پس دادن پاسپورت یک متقاضی اهل "مالی" در میکروفون بر سر او فریاد می زند: " ویزا رد شد"

چون کارمندان سفارت کارآموزی لازم را ندیده اند و کارشان را در تجربه عملی آموخته اند قادر به توضیح دادن و روشن کردن مسائل پیچیده نیستند و قبل از هر چیز توجه شان به سمت پرونده های مشکوک می رود. در واقع بیشتر با پرونده طرف اند تا با انسان، و قضاوتشان در مورد متقاضی یا بر اساس حس و برخورد اولیه است یعنی حال و هوا و طرز حرف زدن متقاضی، یا بر اساس خلق و خوی روزشان می باشد. مثلا بهتر است اول صبح مراجعه کرد تا نزدیک ظهر.

البته برای محدود کردن تبعیض ها و بی عدالتی ها، کنسولگری یک سری معیار وضع کرده و فکر می کند که با چنین عملکردی می توان ادعا کند که موضوع سفارت واقع بینانه است. کاردار می گوید: " در مورد چند دسته از

مريض اش به فرانسه برود. سؤال می شود: شوهرش در کدام شهر زندگی می کند؟ زن دقیقا نمی داند. سؤال بعدی: شوهرش در کدام بیمارستان بستری است؟ پاسخ این سؤال هم بهتر از اولی نیست، نمی داند. سؤال سوم طرح می شود: آیا او همسر اول شوهر است یا دومین زن اوست؟ زن می گوید که او تنها همسر شوهرش می باشد. باز می پرسند: آیا پول دارد؟ و چقدر؟ ( در صورت داشتن محل سکونت باید حداقل ۲۵ یورو در روز همراه داشت. ) زن چند اسکناس را نشان می دهد. کارمند بی تفاوت نگاهی می اندازد. معلوم است که تقاضای او هم رد خواهد شد.

نفر بعدی، کارمندی عالی رتبه است. مطمئن به خود و با لبخندی بر لب می گوید: " من برای خواهر زن نخست وزیر آمده ام. چون سر کار است و خودش نمی توانست مراجعه کند."

کارمند سفارت به او یاد آوری می کند که متقاضی ویزا باید شخصا حضور داشته باشد. بعد، مرد است و با رئیس اش صلاح و مشورت می کند. رئیس، اول با هرگونه تبعیض و پارتی بازی مخالفت می کند، ولی بعد سریع از در آشتی در می آید و می گوید: بگذرید، وگرنه ماجرا خواهیم داشت. اما به او بگوئید که دفعه دیگر اینطور عمل نخواهیم کرد.

در همه سفارتخانه ها، یک نوع سازش و مصالحه ناگزیر با مقامات محلی و دور و بری هایشان وجود دارد. در هر حال، آنها همیشه موفق می شوند. مسئول بخش ویزا توضیح می دهد که با مقامات محلی نمی توان در افتاد.

در واقع ما به آنها نیاز داریم یعنی به پلیس ها، وزرا، و مامورین گمرک، و غیره ولی کنسولگری، علیرغم همه اینها مقاومت می کند. مثلا: وزیری در مورد دانشجویی سفارش می کند، سفیره مسئول سفارت دستور رسیدگی می دهد. مسئول در جواب می گوید:

این پرونده ناقص و چند برگی است. سفیر هم قبول می کند. اما بعد از یک مکالمه کوتاه تلفنی در مورد پرونده دیگری، که آنهم ناقص است، سفیر موفق می شود جواب مثبت مسئول را بگیرد.... آنوقت مسئول سرریس به همکاری می گوید: بنویسید که سفارشی سفیر است، که اگر وقتی تحقیقی شد ....

کند. کارمندان نیز در موقعیت بهتری کار می کنند و از متقاضیان محترمانه استقبال می کنند.

اقدامات اخذ ویزا هم ساده تر شده اند. صبح، متقاضیان برای گرفتن قرار ملاقات صف می بندند ( زیرا کنسولگری فقط ۱۶۰ نفر را در روز می پذیرد، و عده زیادی از صبح زود، برای نوبت گرفتن، به آنجا می آیند). بعد از ظهر، باز صف می بندند، و این دفعه برای تحویل پرونده است، آنگاه منتظر مصاحبه می مانند. روز بعد برای جواب مراجعه می کنند که اگر پاسخ مثبت بود، می دانند که ویزایشان چند روز دیگر آماده است. همه این مراحل از یک هفته بیشتر طول نمی کشد.

کاردار سفارت فرانسه در باماکو که در مقایسه با کنسول در الجزایر بسیار خوش برخوردتر است، به ما اجازه می دهد که صبح را با کارمندان سفارتخانه بگذرانیم. در سالن انتظار، ۵۰ تا ۶۰ نفری متقاضی، ساکت و نگران، منتظرند. زنی به گیشه مراجعه کرده. مرد همراهش می گوید: " خاله من است و زبان فرانسه را بلد نیست. او می خواهد به مکه برود و در بازگشت، سر راهش، چند روزی را در فرانسه نزد دامادش بماند." خانم کارمند سفارت دارد پرونده را مطالعه و مدارک را به دقت بررسی می کند. خرید و فروش و تقلب در مدارک به حدی رایج است که مشکل بتوان با اطمینان صحت و سقم آنها را تأیید کرد. اما مسئله دیگری توجه کارمند را به خود جلب کرده است: اگر این خانم برای مکه بلیط رفت و برگشته گرفته، پس چرا بلیط پاریس. باماکو اش تاریخ برگشت ندارد؟ زن آفریقایی جواب می دهد که درست نمی داند چه مدت زمانی نزد دامادش خواهد ماند. کارمند پاسخ او را در حاشیه پرونده یادداشت می کند، و متذکر می شود که موقعیت چندان روشن نیست. و اضافه می کند که به احتمال زیاد ویزایش رد خواهد شد.

پس از او، نوبت زن دیگری است که لباس سنتی به تن دارد و نه با زبان فرانسه آشناست و نه زبان محلی "بامبارا" را بلد است. همه به دنبال کسی هستند که بتواند از زبان "پهل" ترجمه کند. اینبار سؤال ها از طریق بلندگو در سالن پخش می شود و متقاضیان در انتظار را به خنده می اندازد. مترجم توضیح می دهد که این زن می خواهد برای دیدن شوهر

حتی در موارد اضطراری نیز، کنسولگری هیچ نرمشی از خود نشان نمی دهد: کنسول می گوید "در موارد ضروری، کافی است که به منشی من زنگ بزنند." مادر عبدالرحمان زیدان، هوشمندانه عمل کرده است: یعنی همان موقع که بوسیله تلگراف از کنسول تقاضای ویزا می کرده، در باره نوزاد هفت ماهه اش که می بایستی در فرانسه مورد عمل جراحی پیوند کبد قرار می گرفته، موفق شده است توجه رادیو و تلویزیون را جلب کند. به این ترتیب، اذهان عمومی که تحت تاثیر این ماجرا قرار گرفته بود عکس العمل نشان داد، تا جایی که نخست وزیر "علی بن فلیس" اعلان کرد که هزینه عمل جراحی را بعهده می گیرد اما با اینهمه، کنسول گری توجهی نکرد و پرونده را، به بهانه نقص مدارک، رد کرد. برخورد خشک اداری سفارت به ماجرا پایان داد: چون در این بین، زیدان کوچکولو در گذشت. ۲

ندادن پاسخ به متقاضی، یا رد غیر قابل فهم ویزا، همچنین تجاوز از قانون ( ماده ۸ کنوانسیون اروپا، ماده ۵ قانون ۱۹۴۵ که سفارت را مجبور می سازد که برای رد تقاضای پدر، مادر، همسر و فرزند کسی که ملیت فرانسه دارد دلیل موجه ارائه کند). و شایعه فساد و دریافت رشوه برای ویزا، که به علت عدم شفافیت، ناگزیر و غیر قابل کنترل است. همه اینها موجب شده اند تا سفارت فرانسه در الجزیره در موقعیت بدی قرار بگیرد. تا جایی که سازمان حقوق بشر، هر سال، سی چهل مورد دردناک نقض حقوق بشر علیه کنسولگری دریافت می کنند. اخیرا، آنها با فرستادن نامه ای به وزارت امور خارجه تحقیق در این موارد را تقاضا کرده اند. یکی از مسئولین سازمان حقوق بشر می گوید: " سفارت فرانسه در الجزیره، مثل بقیه شهرهای دیگر، به خصوص در "فز"، "نوالشوت"، "سن ری" در سنگال، یک نهاد بدون قانون است. کارمندا هر کاری که دلشان بخواهد می کنند. دادن یا ندادن ویزا کاملا به میل شخص آنهاستگی دارد. وضع خیلی خراب است. در "باماکو" پایتخت مالی، از وقتیکه سفیر جدید آمده، برخورد انسانی تر شده است. دیگر مثل گذشته این خطر وجود ندارد که پلیس، یا سر متقاضیان را به شیشه گیشه بکوبد یا با گاز اشک آور متفرقشان

خانم کاردار می گوید: "من او را می فهم، طبیعی است که بخواهد بچه هایش را ببیند و در آغوش بگیرد." اما سریع رقت قلب اش او را به وحشت می اندازد، خود را تصحیح می کند و می گوید: "نه، من نمی توانم در تخطی از قانون شریک جرم او بشوم. و آنگهی، اگر دلش برای بچه هایش تنگ شده، می تواند ترتیبی بدهد که آنها را به اینجا بیاورد." سفیر می گوید: "خانم کاردار حق دارد، باید از هر گونه احساساتی شدن پرهیز کرد." به هر حال خطر اینکه کاردار سفارت کنترل احساساتش را از دست بدهد وجود ندارد، حتی اگر برایش گران تمام شود. مثلاً در مورد دانشجوی ساحل عاجی که در "مالی" پناهنده است و پیر زن ثروتمندی هم در فرانسه حاضر است مخارج او را به عهده بگیرد و حتی او را به فرزندی قبول کند.

خانم کاردار می گوید: "این ماجرا قلب مرا جریحه دار کرده است، اما چه می شود کرد؟ قبول تقاضای او غیر ممکن است. ما دستور اکید داریم." در عمل هیچ چیزی مانع نیست تا خانم کاردار از قدرتش استفاده کند. به باز نشستگی اش بیش از سه سال باقی نمانده. خودش می پذیرد که با این کار هیچ خطری نمی کند. همکارانش او را تشویق می کنند که راه حل مناسبی را انتخاب کند. اما بیهوده است، چون خانم می گوید: "اگر قصد داریم که جریان مهاجرت را کنترل کنیم، در این صورت نباید استثنا قائل شد."

خانم کاردار در پاسگاه پیش مرزبانی جمهوری نگهبانی می دهد. و حکم می دهد که جوان ساحل عاجی اجازه عبور نخواهد داشت. از الجزیره تا باماکو، از "فز" تا "کوناکری"، یا در "یاهون ده" به یک نتیجه می رسیم. به قول یکی از مخاطبین ما: "فرانسه برای مهاجرت، سیاست مشخص اعلان شده ای ندارد."

از محقق گرفته تا وکیل، یا نماینده مجلس، یا سناتور، همه با این حرف

وزیر سابق روزه فوروکس موافقت می گوید: "سیاست مهاجرت روشن نیست، و چیزی که جای آن را گرفته به شکل کاملاً خودسرانه ای در سفارتخانه ها اجرا می شود و این بستگی به خلق و خوی نه حتی کنسول، بلکه یک کارمند ساده سفارت که مسئول دادن ویزا است دارد. دیدیه بیگو، استاد موسسه سیاسی پاریس که گزارش قابل توجهی در باره ویزای "شن گن" نوشته است، می گوید: "در مورد عملکرد سفارتخانه ها هیچ تحلیل یا طرح و برنامه حقوقی وجود ندارد."

او در پایان تحقیق گروهی اش به این نتیجه می رسد که اعطاء ویزای "شن گن" به قوانین داخلی سفارتخانه هر کشور و عادات محلی شان بستگی دارد. به دلیل امکانات فراوانی که برای تعبیر و تفسیر قوانین موجود است، عملکردها متفاوت هستند. در واقع تاثیر متقابل سه چیز تعیین کننده است: قوانین صادر شده از طرف مقامات بالای سفارتخانه، اختیارات فردی مامورین و مسئولین و بالاخره تصویری که متقاضی ویزا از خود نشان می دهد.

مثلاً کسی که ثابت کند خانواده اش ثروتمند است، لزوماً مامور سفارت را متقاعد نمی کند. حتی می تواند نگران کننده باشد، چون اگر اطرافیان این شخص می توانند به او جا و مکان بدهند، پس این امکان وجود دارد که او دیگر باز نگردد مقام عالیتره بروکسل (اتحادیه اروپا) می گوید: "در این صورت مامور سفارت، بلافاصله در محل و بدون کوچک ترین تردیدی، تصمیم منفی را اعلان می کند. خطر مهاجرت بلافاصله تشخیص داده می شود. و این تشخیص، بیشتر حسی است تا ناشی از فکر و تامل. تصمیمات به سرعت و پشت سرهم، بدون هیچ تاملی، گرفته می شود. این تصمیمات در مورد خارجی ها عاجل و سراسری است و در شرایط بسیار ناخوشی، در دفترهای درب و داغان، توسط کارمندانی که هیچ تخصصی

ندارند گرفته می شوند"

یکی از مسئولین سفارت در باماکو معترضانه می گوید: "چه می شود کرد؟ ما دانشا دستورات ضد و نقیض دریافت می کنیم. از طرفی از ما می خواهند سختگیر باشیم، و از سوی دیگر، اگر تعداد پرونده های مورد رسیدگی را محدود کنیم، آنگاه تهدیدمان می کنند که بعضی از پست ها را حذف خواهند کرد. در واقع تکلیف روشن نیست و ما قدم به قدم پیش می رویم."

البته مسیر همیشه همان است، یعنی عملکردهای سفارتخانه ای، علیرغم تفاوت هایی که بین پست های مختلف هست، همه یک منطق واحد را دنبال می کنند: به قول "بیگو": منطق انصراف.

هدف، منصرف کردن متقاضی است، از نوع مدارکی که باید تهیه شود گرفته تا خرج و هزینه پرونده، یا حداقل در آمد مالی که برای اکثر متقاضیان خیلی بالا است، تا صف های طولانی و تکراری، و طولانی بودن مدت جواب (میانگین چهار تا پنج ماه). مقام عالیتره بروکسل می گوید: "حقوقی ویزا سازمان یافته است، و سختگیری دستور روز است."

هر کس که تقاضای ویزا می کند، در هر صورت و قبل از هر چیز آدم مشکوکی است، به خصوص وقتی که متعلق به یکی از "کشورهای خطرناک" باشد. این اصطلاحی است که قوانین رسمی آنرا برای کشورهای زیر به کار می برند: کشورهای آفریقایی، مغرب، خاورمیانه، به خصوص الجزایر، ایران، عراق و افغانستان.

میشل تویانا رئیس سازمان حقوق بشر می گوید: "این بیچاره ها که اینطور پس زده می شوند، دوزخیان زمین اند. ویزاها بر اساس تبعیض داده می شوند." تبعیضی که یکبار دیگر کسانی که قرن ها برده گی و بیش از یک قرن استعمار یا استعمار

جدیدآنها را به بدبختی و فقر کشانده، مجازات می کند.

البته اغلب کسانی که کفیل یا ضامن دارند (با توجه به آنچه در بالا گفته شد، باید با احتیاط سخن گفت) تجار یا کاسب ها و مقامات محلی و اقوام و دوستانشان، همه اینها که دارای کارت اقامت هستند (همین که اتاق کوچکی در فرانسه داشته باشند با ارائه ورقه بانکی که ثابت کند که حدود ۷۷۰۰ یورو پول در حساب دارند) و یا ویزای سالانه برای رفت و آمد دارند، راحت تر از مرزی به مرز دیگر می روند. بدون در نظر گرفتن کسانی که از راه رشوه، بدون اطلاع کنسولگری و گاهی هم با همدستی فعال یا غیر فعال آنها موفق به اخذ ویزا می شوند: در مدت دو سال، هشت شکایت علیه کارکنان سفارتخانه های ایران، ارمنستان، توگو، تونس، بنن، رواندا و بلغارستان شده است ۴.

آیا سد ویزا تاثیری دارد؟ هیچ آماری وجود ندارد تا بتوان ثابت کرد که از سال ۸۷ که ویزا برقرار شده است، تعداد مهاجر مخفی غیر قانونی به شکل قابل توجهی پایین آمده باشد. هیچ مرز بسته ای نمی تواند مانع عبور کسانی شود که دارند از گرسنگی می مرنند. مقامات بالای حکومتی این را می دانند، ولی از ترس طرد از سوی افکار عمومی مجبورند که مترسک هجوم خارجی را در سرها بکارند. (یکی از نمایندگان می گوید که نباید در دام لوپن افتاد.)

یکی از مقامات بالای وزارت امور خارجه که طرف گفتگوی ما است، با لحنی آرام و خونسرد می گوید: "ما می باید وجود و حقوق شصت میلیون فرانسوی را حفظ کنیم." وقتی ما چند نمونه از تصمیمات خود سرانه ای که در کنسولگری ها گرفته شده را به او یادآوری می کنیم، کلمه خودسرانه او را از جا به در می کند و می گوید: "هیچ تصمیم خودسرانه ای وجود ندارد. قانون است، قانونی که

قانونگذار آن را وضع کرده، یعنی ملت فرانسه." آیا این ملت فرانسه است که تصمیم گرفته که یک مادر بزرگ نتواند بر بالین نوه مریض اش حاضر شود؟ او می گوید: "ما به موارد شخصی کاری نداریم" می پرسیم: حتی اگر نوزادی در خطر مرگ باشد؟ می گوید: "مگر بیمارستانهای فرانسه می تواند همه نوزادان جهان را بپذیرند؟"

مخاطب ما، وقتی مقابل یک مثال فردی قرار می گیرد به حرفهای کلی پناه می برد و خودش را پشت ارقام و آمار پنهان می کند و قانون را پیش می کشد. (کدام قانون؟) و نتیجه می گیرد که "سیاست ویزا به هیچوجه قصد جبران بی عدالتی ها را ندارد." سیاستی که دولت جدید در پیش گرفته، نه تنها بی عدالتی ها را جبران نمی کند بلکه آنها را عمیق تر نیز می کند. برقرار کردن سهمیه بندی تعداد ویزا برای هر کشور، ارائه فهرست سفت و سخت کشور های قابل اعتماد و محکم کردن همکاری های چند جانبه میان کنسولگری های دولت های اتحادیه اروپا، همه اینها که پیشنهادات نیکولا سرکوزی است، اگر مورد تصویب قرار گیرد، منطق اعطای ویزا را، غیر دموکراتیک و بیش از پیش پلیسی خواهد کرد.

#### زیرنویس ها:

۱: بنا بر نوع ویزا و مدت اقامت، هزینه پرونده از ۱۰ تا ۱۴۰ یورو متغیر است.

۲: لیبرته ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۲.

۳: ویزای "شن گن": عقلانی بودن، چگونگی و عمل کردها، گزارشی برای موسسه تحقیقات عالی برای امنیت داخلی، ژوئیه ۲۰۰۱.

۴: روزنامه لوموند، ۲۷ اوت ۲۰۰۲.

۵: "چرا مهاجرین غیر قانونی؟" روزنامه لوموند ۲۸ ژانویه ۲۰۰۳

# سخنرانی پروین سلیمی در هشت مارس شهر بن با استقبال بسیار روبرو شد.

## همبستگی هفتگی

نشریه فدراسیون سراسری  
پناهندگان ایرانی

سردبیر: **فرشاد حسینی**  
پست الکترونیکی:  
farshadhoseini@yahoo.com

تلفن: 0031630414073

فاکس 0017345386165

سایت اینترنتی:  
www.hambastegi.org

## تلویزیون همبستگی

هر سه شنبه ساعت  
۲۱.۲۰ تا ۲۲  
مشخصات فنی  
تلویزیون:

Satellite: Telstar  
12Center frequency:  
12608MHzSymbol  
Rate  
19279FEC:2/3Polarization:  
horizontal

## رادیو همبستگی

هر جمعه ساعت  
21/15- 21

طول موج رادیو  
۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰  
کیلوهرتز

مسئول بخش و توزیع  
همبستگی هفتگی:

**بابک شدیدی**  
babakshadidi@yahoo.com

به همبستگی  
و فدراسیون  
کمک مالی  
کنید!

حقوق زنان و مردان در ایران و فراخوان او به اعتراض به جمهوری اسلامی و دفاع از حق پناهندگی با استقبال زیادی روبرو شد و شبکه های خبری متعددی از این برنامه گزارش تهیه کردند.

امضا جمع آوری کنند. مردم می گفتند که شهردار که یکی از حاضرین در این نشست بود، باید اولین نفر باشد که امضا میکند.

یکی از حاضرین در جمع گفت من حاضرم خرج کلاس زبان پروین را بدهم که او به کلاس رفته و زبان آلمانی یاد بگیرد و خلاصه فضایی از شور و شوق و در عین حال اعتراض به سیاستهای ضد پناهندگی دولت آلمان در جمع موج میزد.

سخنرانی پروین سلیمی و دفاع او از

پروین سلیمی در يك سخنرانی پرشور از مشکلات مردم در ایران در طول جنگ ایران و عراق و از جنگ مردم با حکومت اسلامی حرف زد. سپس به سوالات حاضرین پاسخ داد.

در بخشی از صحبتها، مردم که کاملاً تحت تاثیر قرار گرفته بودند، می گفتند ما چه کمکی میتوانیم بکنیم تا پروین در آلمان اقامت گرفته و بعنوان پناهنده سیاسی به رسمیت شناخته شود. يك نفر پیشنهاد داد طوماری در دفاع از حق اقامت او تهیه کنند و در شهر

روز هشت مارس در مرکز شهر کونیگس وینتر نزدیک شهر بن آلمان، يك برنامه باشکوه به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن برگزار شد. این برنامه در مورد جنگ و تاثیرات آن بر زندگی زنان بود و پروین سلیمی یکی از سخنرانان این مراسم بود.

در ابتدای برنامه خانم فیشر مجری برنامه و یکی از مسئولین بخش برابری زن و مرد، با خوشامد گفتن به حاضرین اعلام کرد که سخنران اول يك زن پزشک آلمانی، ایزابلا اشتوک از سازمان مدیکا موندیال است که در مورد تجارب فعالیتهای خود در افغانستان عراق و کوسوو صحبت میکند. بعد از او مجری برنامه با ارائه بیوگرافی پروین سلیمی اعلام کرد که پروین در شهر بن آلمان ساکن است و از تجارب خود در دوران جنگ ایران و عراق صحبت خواهد کرد.

## همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد آلمان

۱۸ مارس ۲۰۰۶

**قابل توجه خوانندگان همبستگی هفتگی:**  
**همبستگی هفتگی از هفته آینده به مدت ۲ هفته منتشر نخواهد شد. شماره ۲۳۲ همبستگی هفتگی در ۱۴ آوریل منتشر میشود.**

## در دفاع از حق پناهندگی در تظاهرات سراسری ۲۸ و ۲۹ مارس شرکت نمایید

استکلام:  
همراه با چند سازمان دیگر ۲۹ مارس از ساعت ۱۳

در مقابل پارلمان سوئد

همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - سوئد

۱۶ مارس ۲۰۰۶

ساعت ۱۳ تا ۱۵  
مقابل ساختمان اداره مهاجرت واقع در Strafarm v. 5 نزدیک فروشگاه Willys

گوتنبرگ:  
سه شنبه از ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۵

مقابل اداره مهاجرت در Kollared

جنگ و ناامنی، و بدلیل اختناق و سرکوب سیاسی به این کشور پناهنده شده اند. نباید اجازه داد دولت سوئد بار دیگر این پناهجویان را به زندگی مخفی وادار نماید. ما عموماً پناهندگان و سازمانهای دفاع از حقوق پناهندگی را به شرکت گسترده در این تظاهراتها فرا میخوانیم.

پناهجویان مجرد و خانوادههایی که دارای فرزند خردسال میباشند بار دیگر با خطر جدی پاسخ منفی روبرو شده اند. اینها پناهجویانی هستند که اکثراً مشمول قانون موقت ۱۵ نوامبر شده بودند و می بایست بار دیگر پرونده آنان در اداره مهاجرت مورد بررسی مجدد قرار گیرد.

دفاع از حق پناهندگی دفاع از حق و حرمت انسانهایی است که در ایران و افغانستان بدلیل

مالمو:

سه شنبه ۲۸ مارس از